

دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس جلسه ۱۱، پاتریارک‌ها و باستان‌شناسی

جفری هادون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر جفری هادون در تدریس خود در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس است. این جلسه ۱۱، پاتریارک‌ها و باستان‌شناسی است.

بسیار خوب، اکنون به آنچه باستان‌شناسی می‌تواند در مورد پیدایش ۱۲ تا ۵۰، دوره پاتریارک‌ها، به ما بگوید می‌پردازیم.

این دوره، باز هم، دوره‌ای بسیار بحث‌برانگیز در تاریخ اسرائیل است و جمع‌آوری اطلاعات زیاد از نظر باستان‌شناسی دشوار است، هرچند خواهیم دید که در اینجا چه کاری می‌توانیم انجام دهیم. اول از همه می‌خواهم تصویری از غار مکفیله را در ارائه پاورپوینت خود نشان دهم. این غاری است که ابراهیم از عفرون هیتی خرید تا سارا، همسرش را دفن کند و بعدها نیز پدران مقدس در آنجا دفن شده‌اند.

و همانطور که امروز وجود دارد، می‌بینید که یک سازه سنگی عظیم در اطراف این غارها است. و خود آن سازه بسیار باستانی است. هیچ کس جز هیروود کبیر آن محوطه را برای بزرگداشت پدران عبرانی و دوباره برای آرام کردن جمعیت یهودی در زمان خود ساخت.

نکته مهم در اینجا واقعاً یک مشاهده عهد عتیق نیست، بلکه یک مشاهده عهد جدید است. شما ستون‌هایی را در وسط دیوار قرار داده‌اید که بیرون زده‌اند. این کپی سکوی معبدی است که او گسترش داده و در اطراف کوه معبد در اورشلیم ساخته است.

شواهد بسیار کمی از ستون‌های ستون‌دار در اطراف معبد وجود دارد. بیشتر آن تخریب و از هم پاشیده شده است، اما اینجاست.

از آنجا که این مجموعه آرامگاهی برای مسلمانان، یهودیان و مسیحیان مقدس است، تقریباً در تمام این قرن‌ها دست‌نخورده باقی مانده است. بنابراین ۲۰۰۰ سال قدمت دارد. از این زاویه به نظر نمی‌رسد، اما یک محوطه ۲۰۰۰ ساله است.

البته، کنگره‌های اینجا، جان‌پناه فوقانی که خشن‌تر ساخته شده، و همچنین برج‌های نماز مسلمانان، الحاقات بعدی هستند. اما این هم در شهر هبرون است که محل سنتی قرارگیری مقبره‌های پدران مقدس بوده است.

تا دوره قیمومیت، که محققان فرانسوی این سازه را بررسی کردند، هیچ تحقیق یا مطالعه‌ای روی آنها انجام نشد. و سپس، پس از جنگ شش روزه، یک دختر بسیار لاغر اسرائیلی پیاده شد و کاوش کرد، توانست از یک سوراخ بسیار کوچک در کف عبور کند، و پایین آمد و مجموعه زیرزمینی را که در ابتدا این مقبره‌ها در آن قرار داشتند، کاوش کرد. بسیار خوب، ابراهیم توسط خدا در اور کلدانیان فراخوانده می‌شود، توسط خدا فراخوانده می‌شود تا به سرزمینی برود که در پیدایش ۱۲ به شما نشان خواهیم داد.

و اور، باز هم، محل سنتی اور در جنوب بین‌النهرین، سومر باستان است. سائرس گوردون، که در پاورپوینت قبلی اسلایدی از او نشان دادیم، یک مکان جایگزین، اوژه، را پیشنهاد کرد که در شمال بین‌النهرین است. این هم یک احتمال است، اما به طور خاص می‌گوید اور کلدانی‌ها، و آن باید مکان جنوبی باشد.

حالا ابراهیم و سارا و اطرافیانشان، ابراهیم مرد بسیار ثروتمندی بود و دام و خدمتکاران زیادی داشت، از اور به حران در شمال سوریه نقل مکان کردند. و سپس دوباره در امتداد ساحل، مسیر هلال حاصلخیز را در امتداد ساحل به سمت شام، جنوب شام، دنبال کردند. و در آن زمان بود که آنها در آن سرزمین قحطی داشتند، بسیار شبیه به زمان یعقوب و پسرانش.

و بنابراین، آنها به شهری در مصر رفتند و از قحطی که کنعان را تحت تأثیر قرار داده بود، فرار کردند. یکی از جالب‌ترین دورانی که شخصاً در سرزمین مقدس داشتم، شرکت در یک برنامه هاروارد سازمان ملل به نام راه ابراهیم بود. اکنون، ابراهیم، دوباره، شخصیتی است که توسط هر سه دین توحیدی مورد احترام است.

و بنابراین، ما با راهنماها در سراسر اردن، در مناطق روستایی، قدم زدیم، از میان تاکستان‌ها و باغ‌های زیتون باستانی عبور کردیم، از میان روستاهای طولانی و متروکه عبور کردیم، نهار را در جنگل‌ها یا در مزارعی که در حال قدم زدن بودیم، پختیم. از کوه‌های گیلعاد به سمت دره اردن پیاده رفتیم و اوقات فوق‌العاده‌ای را در تعامل با زمین و توپوگرافی اردن، و همچنین مردم محلی اردن گذراندیم. و این اسم خیلی خوبی برای این است.

اما ابراهیم واقعاً از این منطقه از سرزمین مقدس عبور کرد، و شما می‌توانید برخی از این نشانه‌ها را اینجا ببینید که یادآور آن هستند. این نشانه‌ها می‌گویند: «راه پدران، یا پدران مقدس»، یا پدران مقدس روی این نشانه‌ها تا مصر.

این یک عکس قدیمی از چاه بئر شبع است. می‌توانید شیاریها را که با طناب در طول قرن‌ها ایجاد شده‌اند و آب را از چاه پایین بالا می‌کشند، ببینید. تاریخ پاتریارخ‌ها موضوعی بسیار بحث‌برانگیز است.

و نظرات متفاوتی در مورد پدرسالاران وجود دارد. دو مرد سمت چپ در ارزیابی خود از تاریخی بودن پدرسالاران بسیار منفی هستند. و تامپسون و جان ون سترز.

اینها عکس‌های قدیمی هستند. الان خیلی قدیمی هستند. فکر می‌کنم هر دو هنوز زنده باشند.

اما این موارد همچنین با استدلال‌هایی برای تاریخی بودن پدرسالاران تعدیل می‌شوند. این موارد به ویژه توسط جان بیمسون و کی. ای. کیچن در مقالاتی در آن دو کتاب در سمت راست ارائه شده‌اند. و ما این را بررسی کرد.

سوال اول این است که جایگاه پدران مقدس از نظر زمانی کجاست؟ به نظر من، به نظر می‌رسد که آنها حداقل در ابراهیم در اواخر اوایل عصر برنز، حدود ۲۱۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد، بهترین جایگاه را دارند. یا شاید کمی بعدتر در آنچه که ما عصر برنز میانی می‌نامیم، ۲۰۰۰ تا ۵۵۰ قبل از میلاد. به طول زمان در اینجا توجه کنید.

این یک بازه زمانی فوق‌العاده طولانی است. و ما واقعاً هیچ مشکلی برای محدودتر کردن آن از این مقدار نداشته‌ایم. خوب، این نکته کلیدی اینجا برای باستان‌شناسان بسیار مهم است.

حال، در باستان‌شناسی، شما به دنبال نام مکان‌ها، نام پادشاهان، و رویدادهایی هستید که شاید بتوان آنها را با کوش‌های باستان‌شناسی اثبات کرد، یا مشخص کرد که وقایع کجا و چه زمانی اتفاق می‌افتند. به این شهرها و روستاها اشاره شده است، و همچنین نام چهار پادشاه از شرق که به شهرهای دشت در پیدایش ۱۴ حمله کردند. با این حال، این نام‌ها در منابع دیگر تأیید نشده‌اند.

ظاهراً از نظر سبک و ساخت، نام‌های آنها از بین‌النهرین و سامی شرقی است، اما هیچ چیز کاملاً قطعی نیست. در این زمان در اسناد مصری از سامی‌ها نام برده شده است، اما هیچ اشاره خاصی به نام هیچ یک از بزرگان خاندان‌ها نشده است. سرخ‌های وسوسه‌انگیزی از منابع دیگر وجود دارد.

ما مهرهایی داریم که نام یعقوب، یعقوب، روی آنها حک شده است، و یک قلعه اسرائیلی از معبد کارناک، یک قلعه اسرائیلی که ظاهراً قلعه ابرام نام داشته، شاید به نام یکی از پدران مقدس توسط سلیمان یا یکی دیگر از پادشاهان اسرائیل یا یهودا نامگذاری شده باشد. تنها پادشاه دیگری که نامش ذکر شده، یک پادشاه فلسطینی با نام سامی، ابیملک، است. بسیار خب

باز هم، این می‌تواند مربوط به سلسله‌ها باشد، برخی ممکن است بگویند که این موضوع بی‌ربط است، زیرا فلسطینی‌ها تا قرن دوازدهم قبل از میلاد به قدرت نرسیده بودند. واضح است که ابرام قبل از آن دوره بوده است. بنابراین، ما در اینجا با یک مشکل مواجه هستیم.

شاید این یک به‌روزرسانی از نام باشد زیرا جرار در قلمرو پنتاپولیس فلسطینی یا منطقه‌ای بود که فلسطینیان کنترل می‌کردند. بنابراین، می‌تواند یک نام به‌روزرسانی شده باشد، اما خود نام، ابیملک، فلسطینی نیست بلکه سامی است.

بنابراین، احتمالاً یک پادشاه یا رئیس کنعانی با ابراهیم و اسحاق سر و کار داشته است. فقدان اطلاعات خارجی به هیچ وجه تعجب‌آور نیست، زیرا باید درک کنیم که ما در حال خواندن تاریخ یک خانواده واحد هستیم، نه یک سلسله پادشاهان. و بنابراین احتمال یافتن شواهد، قطعاً شواهد مکتوب، در آن زمان اولیه از ابرام یا اسحاق یا یعقوب یا هر یک از خانواده‌های آنها بسیار بسیار بعید است.

با این حال، با در نظر گرفتن همه این موارد، احساس می‌کنیم که اوایل نیمه اول هزاره دوم به خوبی با روایت پیدایش مطابقت دارد. اشاره دیگری از شواهد موجود در متن کتاب مقدس. شهرهای دشت و نام پادشاهان در جنگ.

ما به این موضوع اشاره کردیم. شهرهای دشت، پنج شهر، سدوم، عموره و سایر شهرها قطعاً مواردی هستند که باید در نظر گرفته شوند و از نزدیک بررسی شوند. معادل‌سازی نام مکان‌ها با مکان‌های شناخته‌شده

سالیم یا شالیم احتمالاً نام اولیه اورشلیم است. دان، دمشق، موريا از پیدایش ۲۲، شاول، بشریبع و غیره. اموریان، کنعانیان، فلسطینیان، حویان و حتیان و غیره.

آداب و رسوم پدرسالارانه، سارا به عنوان خواهر، نقش هاجر به عنوان مادر جایگزین، و باز هم، شناسایی پادشاهان. و چیزی که هنوز به آن اشاره نکرده‌ام فهرست پادشاهان ادومی در پیدایش ۳۶ است که اطلاعات مهمی نیز ارائه می‌دهد.

کی کیچن از قیمت بردگان استفاده کرد. حال، وقتی یوسف به عنوان برده در پیدایش ۳۷ فروخته شد، به قیمت ۲۰ شیکل نقره فروخته شد. کیچن مطالعاتی در مورد قیمت برده برای مردان جوان در سراسر خاور نزدیک باستان در دوره‌های مختلف انجام داد و به نظر می‌رسد ۲۰ شیکل نقره با قیمت یک برده مرد جوان در اوایل هزاره دوم قبل از میلاد مطابقت دارد.

معاهدات و پیمان‌هایی که در سفر پیدایش آمده‌اند، و البته، مطالب کتیبه‌ای، که قبلاً در بالا به آنها اشاره کردیم. علاوه بر این، در دهه ۱۹۷۰، یک هیئت ایتالیایی در نزدیکی حلب، مکانی به نام تل مردیخ را کاوش کرد. این مکانی است که به عنوان ابلائی باستانی شناخته می‌شود.

و آنها انباری از ۲۰،۰۰۰ لوح خط میخی ساخته شده از گل رس پیدا کردند. و کتیبه نویس آنها ادعا کرد که این لوح‌ها حاوی اشارات و سوسه‌انگیزی به یهوه، اورشلیم، سدوم، عموره، زوهر و خود پدران مقدس هستند. اکنون، مدیر این ادعاها را رد کرد.

و از آنجایی که این اتفاق در سوریه رخ داد، دولت سوریه درگیر شد. و با توجه به فضای سیاسی آن زمان، این یک مسئله بسیار بسیار حساس از نظر سیاسی بود، و این موضوع امروز نیز بین سوریه و اسرائیل ادامه دارد. بنابراین، در نهایت مشخص شد که این ادعاها بی‌اساس و ظاهراً نادرست بوده‌اند.

با این حال، با توجه به اینکه این کتیبه‌ها به اوایل عصر برنز، اوایل یا اواخر هزاره دوم یا سوم، بلکه سوم پیش از میلاد مسیح، مربوط می‌شوند، ارجاع اجداد به اوایل عصر برنز، در این دوره که این لوح‌ها مورد بحث بودند، به طور جدی مورد توجه قرار گرفت و در مورد آنها نوشته شد. حال، اصطلاح سالیم، دوباره، این همان پیدایش ۱۴ است، ملاقات یا تعامل ابراهیم با ملک‌یصق. آیا این یک کلمه اولیه برای اورشلیم، یک عنوان پیدایش ۱۴ است؟ می‌تواند باشد.

به نظر می‌رسد که همین‌طور باشد. و کاوش‌ها در دره رفائیم، دوباره، آن دره‌ای که به اورشلیم می‌رسد و سپس به سمت غرب سرازیر می‌شود، بخشی از دره سوری می‌شود. و شهر داوود محل سالیم را کشف کرده است.

بنابراین، اورشلیم شهری متشکل از خانه‌ها و سکونتگاه‌ها در دره رفائیم بود که قدمت آن به اوایل دوره برنز و اواسط دوره برنز برمی‌گردد. بنابراین، اورشلیم به عنوان یک شهر و سکونتگاه در نزدیکی اورشلیم، دره رفائیم در زمان پدران مقدس و به طور خاص در زمان ابراهیم وجود داشته است. حال، منظور از دره شاول در پیدایش ۱۴ چیست؟ این می‌توانسته دره قدرون یا قسمت بالایی دره رفائیم، محله مدرن بقاع در غرب اورشلیم، باشد.

همان‌طور که در یوشع ۱۰ ذکر شده است، آدونای صدق، پادشاه یبوسی اورشلیم بود. دوباره به بخش صدق و سپس ملک‌یصق در پیدایش ۱۴ توجه کنید. در اینجا ممکن است نوعی بازتاب سلسله‌ای و یک نام سلسله‌ای وجود داشته باشد.

ما به سادگی نمی‌دانیم. خانه‌ها در زمان ابراهیم دارای نیمکت‌هایی در اطراف قسمت داخلی خانه‌ها و دیوارهای داخلی خانه‌ها بودند و این نیمکت‌ها در خانه‌هایی که در دهه ۱۹۷۰ در شهر داوود کاوش شدند یافت شدند. بنابراین، ما دوباره شواهد روشنی داریم که نشان می‌دهد در این زمان فعالیت، فعالیت انسانی و مسکن در اورشلیم وجود داشته است.

اکنون، قدیمی‌ترین اشاره شناخته‌شده به اورشلیم، خارج از کتاب مقدس، مجموعه‌ای از متون مصری به نام متون نفرین است و این متون اساساً نوعی روش برای قرار دادن طلسم شیطانی بر دشمنان شما بودند. نام دشمنان مصر یا بر روی مجسمه‌ها یا بر روی کاسه‌ها نوشته می‌شد، و سپس مجسمه‌ها و یا کاسه‌ها به صورت تشریفاتی خرد یا له می‌شدند، و البته این نمادی از خرد شدن دشمنان آنها بود. باز هم، اورشلیم و دیگر مکان‌های کتاب مقدس پیدا شدند و نام آنها در این متون نفرین یافت شد.

ما قبلاً این اسلاید را دیده‌ایم، اما این، باز هم، یک نقاشی مقبره از بنی حسن است که تقریباً به زمان پاتریارک‌ها، شاید کمی بعد از ابراهیم، برمی‌گردد، اما به وضوح نشان می‌دهد که آسیایی‌ها، مردم کنعان کنعانی‌ها، یا شاید حتی خود بنی اسرائیل اولیه، مردم عبری، به مصر می‌آمدند و دام و فلز را با کالاهای دیگر معامله می‌کردند. بنابراین، این یک یافته باستان‌شناسی بسیار بسیار مهم است که به وضوح تعامل بین کنعان

و مصر را نشان می‌دهد، که به وضوح با روایت پیدایش مطابقت دارد. شخصیت ملک‌یصدق، که به ملاقات ابراهیم و ملک‌یصدق برمی‌گردد، البته بسیار جالب و به نوعی موضوع جذابی برای مطالعه است.

البته نام ملک‌یصدق به معنای پادشاه-کاهن است و این آشکارا دلالت بر این دارد که این می‌تواند ظهور پیش از تجسم عیسی مسیح باشد. ملک‌یصدق ابراهیم را متبرک می‌کند و از ابراهیم ده یک دریافت می‌کند. دره شاول همانطور که قبلاً اشاره کردیم، می‌تواند قسمت بالایی دره رفائیم یا دره قدرون، دره پادشاه باشد که درست در شرق اورشلیم قرار دارد.

و بعداً بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. حال، بعداً در عهد عتیق، سلیمان باغ‌های سلطنتی خود را در دره قدرون داشت، مجموعه‌ای از تراس‌ها، شادوت، که در کتاب پادشاهان ذکر شده است. جالب است فکر می‌کنم جدا از شخص ملک‌یصدق، الهیات زیادی در اینجا وجود دارد.

ملاقات، ملاقات کوتاهی که در وادی شاول یا دره پادشاه در سفر پیدایش رخ داد، و حالا در اپوکریفون پیدایش، یکی از طومارهای دریای مرده، نام سومی هم دارد که دره بت هاگرم نامیده می‌شود. اما این ملاقات کوتاه بین خدا و ابراهیم در یک دشت یا دره پرآب، به نظر می‌رسد یادآور باغ عدن پیش از هبوط است. و این واقعیت که خدا و انسان، خدا در قالب ملک‌یصدق، پادشاه سالیم، و انسان در قالب ابراهیم، پدرسالار، پدر قوم یهود، به نظر می‌رسد هم به گذشته و هم به آینده نگاه می‌کنند، به تولد مسیح و کفاره او و در نهایت آشتی ما با خدا.

یکی دیگر از عواملی که هنگام بررسی باستان‌شناسی پدران قوم باید در نظر بگیرید، شهرهای دشت، شهرهای افسانه‌ای دشت است که در داستان لوط و همسرش و دخترانشان به آنها اشاره شده است. باز هم، این شهرها توسط هیئت‌های اعزامی مختلف به شدت مورد جستجو قرار گرفته‌اند. در واقع پنج مکان وجود دارد، که از روبروی دریای مرده در ساحل شرقی دریای مرده، شبه جزیره لیسان، که از سمت شرقی بیرون زده است، شروع می‌شوند.

پایه آن شبه جزیره مکانی به نام باب اد-درا است. و بسیاری از باستان‌شناسان و مورخان کتاب مقدس معتقدند که احتمالاً نمایانگر سدوم کتاب مقدس است. در جنوب، چهار مکان دیگر وجود دارد که همگی سکونت در اوایل عصر برنز را نشان می‌دهند.

مشکل اینجاست که ترتیب زمانی این مکان‌ها لزوماً با هم مطابقت ندارد. برخی از آنها دیرتر از بقیه ساخته شده‌اند. به نظر نمی‌رسد برخی اشغال شده باشند، در حالی که برخی دیگر در زمان‌های مختلفی این کار را انجام می‌دهند.

بنابراین، شهرهای موجود در کتاب پیدایش، سدوم، عموره، آدما، زیوئیم و بلا یا زوار هنوز یک سوال بی‌پاسخ هستند. اگرچه این مکان‌ها عموماً در یک دوره زمانی هستند و به نظر می‌رسد با آنچه در متن لوط، داستان لوط و فرار لوط از سدوم می‌خوانیم، مطابقت دارند، اما هنوز مشکلاتی وجود دارد. اخیراً، یک باستان‌شناس مسیحی برای یک مکان شمالی، مکانی به نام تل حمام، استدلال کرده است.

و این در حاشیه کرکار است هر یاردن، دشتی دایره‌ای شکل درست در شمال دریای مرده. اما این مکان نیز مشکلاتی دارد. اول از همه، در روایت پیدایش، سه فرشته را داریم که به خیمه ابراهیم می‌آیند و در ویدیوی بعدی خیمه‌ای مشابه را خواهیم دید.

و آنها به شهرهای دشت‌ها، به ویژه سدوم، نگاه می‌کنند. و این از بلوط ممری در حبرون است. و اگر سدوم در شمال در تل حمام واقع شده باشد، آن برای آنها خیلی دور از شمال است که بتوانند به لبه اردوگاه خود بروند و به دره ریفت نگاه کنند و آن شمال دور را ببینند.

این به سادگی غیرممکن است. بنابراین، در مورد همه اینها مشکلاتی وجود دارد و واقعاً هیچ راه حل قطعی وجود ندارد. اما من فکر می‌کنم پنج شهر، باب اضرا و شهرهای جنوبی و مکان‌های جنوبی، احتمالاً بهترین حدس ما تا به امروز در مورد شهرهای دشت، شهرهایی که در پیدایش ذکر شده‌اند، هستند.

بسیار خوب، آکدا، به بند کشیدن اسحاق در پیدایش ۲۲، به سرزمین موریاء اشاره می‌کند. موریاء سرزمینی بود ارتز موریاء، اما ابراهیم آماده شد تا پسرش را در جایی که ظاهراً بعدها سرزمین اسرائیل شد، قربانی کند. این مکان معبد سلیمان بود.

و از بئرشبع تا این مکان، سه روز راه بود که چشمانش را بالا آورد و آن مکان را از دور دید. اما این مکان، باز هم با اطراف اورشلیم مطابقت داشت. در روزگار ابراهیم، قربانی کردن کودکان امری رایج بود و این رسم تا عصر آهن در میان کنعانیان و جمعیت‌های بت‌پرست اطراف اسرائیل ادامه یافت.

و این، باز هم، نشانه‌ای برای توفت است. اینجا جایی است که این قربانی‌های انسانی انجام می‌شد. اینجا در کارتاژ است، یکی از مکان‌های فنیقی در غرب تونس امروزی تا بخش غربی مدیترانه.

امروزه می‌توانید به مکانی به نام تفرجگاه هاس یا تایلر بروید. این یک پارک زیبا و یک تفرجگاه است که به نوعی در اطراف محله تالپوت پیچ می‌خورد. و مناظر زیبایی از کوه زیتون و اورشلیم و به ویژه کوه معبد را خواهید دید.

و دانستن اینکه مسیر پدران به کجا می‌رفت، که از جاده‌ی امروزی هبرون می‌گذرد، جایی که ابراهیم چشمانش را بالا آورد و آن مکان را از دور دید، باید در همین نزدیکی باشد، جایی که می‌توانید گنبد طلاپی صخره را که بر فراز کوه موریاء ساخته شده است، ببینید. باز هم، ابراهیم اسحاق را داشت، اسحاق یعقوب را، و یعقوب دوازده پسر داشت. و این پسران، همانطور که می‌دانیم، دوازده قبیله‌ی اسرائیل شدند.

این تصویر زیبایی از آنها بر روی پنجره‌های بیمارستان هداسا در عین کارم است که امروزه می‌توان از آن بازدید کرد. قبلاً به دره دوتان اشاره کردیم. این، باز هم، منطقه‌ای است که یوسف توسط بازرگانان مدیانی از برادرانش گرفته و به مصر برده شد.

این در همین نزدیکی، دره ای در شمال سامره است. باز هم، همانطور که در اسلایدشو قبلی دیدیم، هیچ مدرک روشنی از خدمت یوسف به عنوان وزیر مصر وجود ندارد. نام مصری او در کتاب پیدایش حفظ شده است.

اما با توجه به این واقعیت که فراعنه بعدی فرزندان یوسف را سرکوب و به بردگی گرفتند، این موضوع کاملاً قابل درک است. و باز هم، این بنای یادبود و این مجسمه دسته جمعی، سر مجسمه، ممکن است نمایانگر کسی مانند یوسف یا خود یوسف باشد که توسط ما تأسیس شده است. روایت یهودا و تامار در پیدایش ۳۸ نوعی روایت از چگونگی هویت مردان ارائه می‌دهد.

و او چه کرد؟ او عصا و مهر او را درخواست کرد. همانطور که قبلاً اشاره کردم، ما مهرهایی داریم که نام یعقوب را از هزاره دوم مشخص می‌کنند. و بنابراین، این، باز هم، بینشی از زمان پدران مقدس، هزاره دوم قبل از میلاد، است.

و ما دوباره مهرهایی داریم که این را نشان می‌دهد. بدیهی است که مهر یهودا را نداریم، اما مهرهای مشابه و مهرهایی که نام یعقوب یا یعقوب را ذکر می‌کنند، داریم. از مهر خودمان، ما در مورد جایی صحبت کردیم که احتمالاً یوسف ابتدا به عنوان برده در زمان پوتیفار و سپس در نهایت به عنوان وزیر در زمان فرعون خدمت می‌کرد.

و البته، پایان کتاب پیدایش با نقل مکان یعقوب و دیگر برادران به مصر و دریافت سرزمین گوشن، که همان منطقه تاریک دلتای نیل است، به پایان می‌رسد. در دوران باستان، هفت شاخه از دلتای نیل وجود داشت که از آن خروجی شکل گرفته به مدیترانه امتداد می‌یافتند. امروزه، تنها دو سرزمین وجود دارد، اما بسیار غنی.

اینجا، می‌توانید این تصویر را با پایه یک مجسمه، احتمالاً مربوط به سلسله نوزدهم، ببینید. و می‌توانید سرزمین غنی آنجا را ببینید. و آنجا جایی است که بنی اسرائیل به آنجا نقل مکان کردند و زندگی خود را بنا نهادند. و تا زمانی که سلسله جدیدی به قدرت رسید و ظلم و ستم آغاز شد، رونق داشتند.

متشکرم. در این مورد، در موزه باستان‌شناسی هورن، سفال‌هایی مربوط به تقریباً زمان ابراهیم وجود دارد. این سفال‌ها از مقبره‌هایی در محل باب عدرا در اردن گرفته شده‌اند.

باب آدرا، باز هم، از سخنرانی قبلی ما، محل احتمالی سدوم کتاب مقدس است. حال، یکی از ویژگی‌های جالب این سفال‌ها این است که آنها با دست ساخته شده‌اند. این قبل از معرفی چرخ سفالگری سریع است.

خب، همه اینها با دست ساخته شده‌اند، با استفاده از کلاف‌ها به صورت دستی شکل داده شده‌اند، و سپس دور آنها پیچیده شده و با دست صاف شده‌اند. بنابراین، اگر با دقت نگاه کنید، کاملاً متقارن نیستند، اما هنوز هم فرم‌های بسیار زیبایی دارند، بیشتر کاسه‌هایی که اینجا داریم و کوزه‌های کوچک. همچنین توجه کنید که روی فرم‌ها، برخی از آنها چیزی دارند که به آن دسته‌های لبه‌دار می‌گویند.

این مشخصه اوایل دوره برنز است که از ۳۱۰۰ تا حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح ادامه داشته است. اکنون، ابراهیم اگر دیرتر نبوده باشد، در اواخر آن دوره زندگی می‌کرده است. اما اینها اشکال و سفال‌های مشخصه تقریباً مربوط به زمان ابراهیم از مکانی هستند که ما معتقدیم سدوم کتاب مقدس است. در پشت می‌توان یک هاون بازالتی را مشاهده کرد که برای آسیاب کردن غلات استفاده می‌شده است.

احتمالاً از یک هاون برای آسیاب کردن غلات یا ادویه‌ها برای تهیه غذا یا خورش استفاده می‌شده است. و البته، این یکی یک تراشه دارد، اما همانطور که امروز هست، در مقبره‌ای که به همراه ساکنان مقبره دفن شده بود، پیدا شد. بسیار خوب، به موزه باستان‌شناسی هورن خوش آمدید.

چیزی که پیش روی ماست یک چادر اصیل بادیه‌نشینی است. و برخلاف چادرهای امروزی که از مواد مصنوعی ساخته می‌شوند، این چادر از موی بز واقعی بافته شده است. چرا از موی بز استفاده می‌کنند؟ خب موی بز در برابر آب نفوذناپذیر است و وقتی آب با موی بز تماس پیدا می‌کند، متورم می‌شود و وقتی در بیابان هستید، به یک سرپناه ضد نشت برای شما تبدیل می‌شود.

سبک این چادرها هزاران سال بدون تغییر باقی مانده است، و وقتی به پدران مقدس و ابراهیم و اسحاق و یعقوب و نقل مکان آنها از مکانی دیگر فکر می‌کنیم، این همان چیزی است که آنها استفاده می‌کردند. با این حال، یک نکته وجود دارد: چادرهای آنها بسیار بسیار بزرگتر بوده است، احتمالاً چهار یا پنج برابر، اگر بزرگتر نبوده باشد. با این حال، می‌خواهم به چند نکته در مورد این چادرها اشاره کنم.

و یکی از آنها نوارهایی است که روی دیوار چادر می‌بینید. این فقط برای تزئین نیست، بلکه به افرادی که از دور به چادر نزدیک می‌شوند نیز می‌گوید که چه خانواده، قبیله یا خویشاوندی اینجا هستند. ممکن است شما در حال نزدیک شدن به چادری مانند این در سرزمین مقدس، جایی در شام باشید و آن طرح‌های کنار چادر ممکن است چیزی باشد که شما آن را به عنوان دشمن خانواده، دشمن قبیله خود تشخیص می‌دهید، و بنابراین می‌خواهید اسب یا شتر یا الاغ خود را برگردانید و از آنجا دور شوید.

یا می‌تواند نشانه‌ای از استقبال از یک متحد یا یکی از اعضای خانواده یا یکی از اعضای قبیله باشد که به او اعتماد دارید و رابطه خوبی با او دارید و می‌خواهید وارد آن شوید و از شما پذیرایی شود. حالا، چادرها، دوباره، چادرهای بزرگتری که ابراهیم و سارا از آنها استفاده می‌کردند، چندین محفظه داشتند، شاید یکی برای زنان یکی برای تهیه غذا، یکی برای مهمان‌نوازی و سپس دیگری برای خواب. اینها را می‌توان خیلی سریع برپا و جمع کرد، و می‌توان قسمت پشتی را لوله کرد تا هوا خنک باشد.

اگر نسیمی می‌وزد، می‌توانستید تهویه هوای متقاطع داشته باشید. آنها ساده اما بسیار بسیار مفید بودند. و در کاوش‌های ما در اردن، تا به امروز، برخی از کارگران ما بادیه‌نشین هستند و هر روز صبح پس از زندگی در چادرهایی مانند این به محل می‌آیند.

همانطور که گفتم، بعضی چیزها هرگز تغییر نمی‌کنند. حالا، این چادر اینجا چند وسیله و چند وسیله‌ی مصنوعی دارد، و بیاید به ترتیب به آنها نگاه کنیم. درست زیر پای من، اینجا یک دستگاه کوبیدن قهوه است که دانه‌های قهوه را برای درست کردن قهوه‌ی بادیه‌نشینی آسیاب یا خرد می‌کند.

این شیء چوبی ساخته شده اینجا زین شتر است. و البته، تک کوهان شتر در مرکز آن قرار می‌گرفت. این زین با چرم و پتو پوشیده می‌شد و شما روی آن می‌نشستید و شتر را سوار می‌شدید.

همانطور که می‌توانید تصور کنید، این خیلی ناراحت‌کننده است، و می‌توانم شهادت بدهم که ۴۵ دقیقه شترسواری کردم و درد مداوم داشتم. بنابراین، نمی‌دانم چطور این کار را می‌کنند، اما بادیه‌نشین‌ها و کسانی که هر روز شترسواری می‌کنند، توانایی انجام این کار و تحمل درد را در خود پرورش می‌دهند. اینجا یک پوست بز هست، و آن را اینجا به عنوان کره‌گیری قرار داده‌اند.

و کاری که شما انجام می‌دهید این است که شیری را که از گوسفند یا بز خود دوشیده‌اید، داخل آن می‌ریزید و می‌نشینید و صحبت می‌کنید و به دیدنش می‌روید و آن را به عقب و جلو می‌چرخانید، و خیلی زود تبدیل به ماست می‌شود و در نهایت، اگر به این کار ادامه دهید، تبدیل به کره می‌شود. و البته، این یکی از غذاهای اصلی مردم در خاورمیانه تا به امروز است. اینجا، ما یک سورتمه خرمن‌کوبی و یک چنگال غربال‌گری داریم.

این دو شیء در اردن، شمال اردن، پیدا و خریداری شده‌اند. و همانطور که می‌بینید، تکه‌هایی از سنگ بازالت در این سورتمه خرمن‌کوبی جاسازی شده است. بیخشید که نامفهوم گفتم.

البته، اینها را دور خرمن‌کوبی می‌کشیدند تا ساقه‌های غلات را از دانه‌هایشان جدا کنند. و خرمن‌کوبی‌ها تقریباً همیشه روی تپه‌هایی بودند که نسیم ملایمی می‌وزد. وقتی آنها را با سورتمه خرد می‌کردند، از چنگک برای غربال کردن استفاده می‌شد و وقتی نسیم می‌وزد، همه چیز را به هوا پرتاب می‌کردید.

گاه یا ساقه‌ها با باد می‌ریزند. دانه‌ها چون سنگین‌ترند، می‌افتند و شما باید غلات خود را فرآوری و آسیاب کنید. تا نانتان آماده شود. در اینجا، آخرین چیزی که در موردش صحبت خواهیم کرد این لباس زیبا است.

این یک لباس جهیزیه عروسی بادیه‌نشینان بود که ساعت‌های بی‌شماری صرف گلدوزی دستی آن برای یک دختر شد. یک مادر این کار را قبل از عروسی دخترش برای او انجام می‌داد. داستان غم‌انگیز این است که این لباس توسط ویلیام جی. دیور، باستان‌شناس مشهور، خریداری شد و او به نوبه خود آن را به موزه ما اهدا کرد.

این خانه کمی پس از جنگ ۱۹۶۷ در جاده‌ای در شمال اورشلیم خریداری شد. بدیهی است که اگر خریداری شده باشد، اگر برای فروش بوده باشد، احتمالاً پایان بسیار غم‌انگیزی برای داستان وجود داشته است. عروسی برگزار نشد، یا داماد یا عروس فوت کردند.

بنابراین، این، دوباره، به ما نشان می‌دهد که پدران مقدس چگونه زندگی می‌کردند و چگونه می‌توانستند، بدون ساختن خانه‌های دائمی، از اور در جنوب بین‌النهرین تا حران و سپس به سرزمین مقدس و سپس به مصر رفت و آمد کنند. این یک سفر طولانی و صدها مایلی است، اما آنها در آن دوران اینگونه زندگی می‌کردند. متشکرم.

من دکتر جفری هادون هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه یازدهم، پاتریارک‌ها و باستان‌شناسی است.